



دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت
دانشکده علوم تربیتی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد M.A.

در رشته :

برنامه ریزی درسی

عنوان:

بررسی میزان توجه به مؤلفه های قانون اساسی در برنامه درسی
علوم اجتماعی دوره متوسطه

استاد راهنما: دکتر عباس قلتاش

استاد مشاور: دکتر مسلم صالحی

نگارش:

فریبا ساریخانی

تابستان ۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



صورتجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد M.A.

نام و نام خانوادگی دانشجو: فریبا ساریخانی در تاریخ: ۱۳۹۰/۰۶/۲۲ رشته: برنامه ریزی
درسی از پایان نامه خود با عنوان: بررسی میزان توجه به مؤلفه های قانون اساسی در
برنامه درسی علوم اجتماعی دوره متوسطه

با درجه عالی نمره دفاع نموده است.

نام و نام خانوادگی اعضای هیأت داوری سمت امضاء اعضای هیأت داوری

۱- دکتر استاد راهنما: عباس قلتاش

۲- دکتر استاد مشاور: مسلم صالحی

۳- دکتر داور (داخلی): ویدا فلاحی

۴- دکتر داور (خارجی): مژگان امیریان زاده

مراتب فوق مورد تأیید است. مدیر / معاونت پژوهشی

مهر و امضاء

تقدیم به

پیشگاه با برکت حضرت حجه بن الحسن العسکری (عج)

تقدیم به

پدر و مادرم، دو ستاره ای که در آسمان زندگییم تابیدند و مرا در کوره راههای پر پیچ و

خم روزگار هدایت کردند.

و تقدیم به ستاره ای که با وداعی غم بار در شبی دلگیر از آسمان زندگییم افول کرد.

(روحش شاد)

مَن لَم يَشْكُرِ الْخَالِقَ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ

تشکر و قدردانی

مهربانا، مرا یارای شکر تو نیست چرا که زبانم الکن است و واژه‌ها ناچیز، اما با وجود این زبان قاصر تو را شکر می‌کنم که به من قدرت تفکر و نوشتن دادی.

اکنون که به یاری خداوند این پژوهش به پایان رسیده است برخورد لازم می‌دانم از تمامی کسانی که در این پژوهش این جانب را یاری نموده اند تشکر و قدردانی نمایم.

- جناب آقای دکتر قلتاش استاد راهنمای محترم که راهنمایی های ارزنده‌ی ایشان روشنی بخش تحقیق حاضر بوده است.

- جناب آقای دکتر صالحی استاد مشاور محترم که مرا در انجام این پژوهش یاری نمودند.

- سرکار خانم دکتر فلاحی داور محترم داخلی که در طول تحصیل از تجارب ارزنده ایشان بهره بردم.

- سرکار خانم دکتر امیریان زاده داور محترم خارجی.

- و کلیه اساتیدی که در زمان تحصیل در دانشگاه از وجود پرخیز و برکت آنها استفاده نمودم.

- برای تمامی این عزیزان آرزوی موفقیت می‌کنم.

چکیده:

این پژوهش با هدف بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های قانون اساسی در برنامه درسی علوم اجتماعی دوره متوسطه در ایران انجام شده است. در این پژوهش از روش توصیفی جهت مشخص نمودن مؤلفه‌های قانون اساسی و از روش تحلیل محتوا به منظور بررسی و تحلیل برنامه درسی علوم اجتماعی دوره متوسطه استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش در بخش تحلیل محتوا، برنامه درسی علوم اجتماعی می‌باشد که شامل مطالعات اجتماعی پایه اول، جامعه‌شناسی پایه دوم علوم انسانی و جامعه‌شناسی پایه سوم علوم انسانی دوره متوسطه بوده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، سیاهه تحلیل اهداف، تحلیل محتوای کتب درسی، تحلیل محتوای کتب راهنمای معلم و تحلیل تصاویر بود که پس از مطالعه مبانی نظری و پیشینه پژوهش، تهیه و تنظیم شد و روایی آن توسط متخصصان علوم تربیتی و کارشناسان حوزه قانون اساسی تعیین شد. همچنین به منظور اطمینان از پایایی تحلیل محتوا، سیاهه‌ها در اختیار یک کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی قرار داده شد که همگام با محقق برنامه درسی را تحلیل محتوا نمودند، ضریب همسانی بین اندازه‌گیری مستقل دو محقق حدود ۰/۸۰ برآورد شد. واحد تحلیل، جملات مندرج در متن کتب درسی، اهداف، کتب راهنمای معلم و همچنین تصاویر مندرج در کتب درسی بوده است. در بخش تحلیل محتوا مهمترین یافته‌ها نشان دهنده‌ی آن بود که در مجموع اهداف ۲۲/۶۶ درصد، کتب راهنمای معلم و کتب درسی به ترتیب به میزان ۷/۲۳ درصد و ۲/۹۸ درصد توجه شده که بیشترین میزان توجه در بعد شناختی بوده و در مجموع به مؤلفه‌های مشارکت سیاسی، شناخت ارزشها و هنجارها، عدالت اجتماعی و تربیت شهروندی توجه بیشتری شده و به مؤلفه‌های، حق آزادی بیان، امنیت، حق آزادی اندیشه، بهداشت و سلامتی، حفظ محیط زیست و شوراها کمتر توجه شده است و از مجموع تصاویر ۱۵/۳۱ درصد تصاویر در ارتباط با مؤلفه‌های قانون اساسی بوده است.

کلید واژه‌ها: قانون اساسی، برنامه درسی، برنامه درسی قانون اساسی دوره متوسطه

فهرست مطالب

۱	فصل اول : طرح تحقیق
۱	مقدمه
۴	بیان مساله
۸	اهمیت و ضرورت تحقیق
۱۰	اهداف کلی و ویژه تحقیق
۱۲	سوالات تحقیق
۱۳	تعاریف مفهومی و عملیاتی واژه ها
۱۷	فصل دوم: ادبیات و پیشینه پژوهش
۱۸	تعریف قانون
۱۸	نظر جان لاک درباره تفکیک سه قوه
۱۹	نظریات روسو درباره ی تفکیک سه قوه
۲۰	نظریات منتسکیو درباره ی تفکیک سه قوه
۲۰	مسیر حقوق فردی و آزادی های عمومی
۲۲	مقایسه حقوق بشر در شرق و غرب
۲۲	پیشینه تاریخی حقوق بشر در شرق
۲۴	تاریخچه ی حقوق بشر در غرب
۲۵	بررسی مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ م
۲۷	دیدگاه اسلام نسبت به حقوق بشر
۲۸	دلایل و چگونگی ظهور قوانین اساسی
۲۹	سیر تاریخی قانون اساسی از قدیم ترین زمان تا کنون
۲۹	قانون اساسی در یونان باستان و ایران هخامنش

۳۰ روم باستان و قانوناساسی
۳۱ اشکانیان و مجلس مهستان
۳۱ اسلام و قانون اساسی
۳۲ مشروطه و اولین قانون اساسی ایران
۳۳ قانون اساسی در عصر پهلوی
۳۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی
۳۴ تصویب قانون در جمهوری اسلامی ایران
۳۵ مراحل تصویب قانون
۳۷ طبقه بندی قوانین
۳۹ قانون اساسی
۳۹ حقوق شهروندی در قانون اساسی
۴۰ حقوق و آزادی های فردی
۴۳ حقوق اساسی
۴۴ مجلس شورای اسلامی در قانون اساسی
۴۶ دخالت مجلس در تشکیل قوه مجریه به چه صورت است
۴۶ نظارت مجلس بر رئیس جمهور و وزراء به چه صورت است
۴۸ اصول قانون اساسی در رابطه با رهبری
۵۰ قوه مجریه
۵۱ قوه قضائیه:
۵۲ دیوانعالی کشور و وظایف آن
۵۲ انواع شوراها در قانون اساسی
۵۲ شوراهای اسلامی شهر و روستا
۵۳ شورای نگهبان

۵۳ شورای عالی امنیت ملی در قانون اساسی
۵۳ برنامه درسی
۵۵ اهمیت آموزش متوسطه
۵۸ اهداف تفصیلی دوره متوسطه
۵۹ ارائه طرح پیشنهادی برنامه درسی متناسب با قانون اساسی
۶۳ کتاب راهنمای معلم
۶۵ پیشینه پژوهش
۷۲ جمع بندی و نتیجه گیری
۷۴ فصل سوم: روش شناسی پژوهش
۷۴ روش پژوهش
۷۵ جامعه و نمونه آماری پژوهش
۷۶ ابزار گردآوری اطلاعات
۷۶ روایی و پایایی ابزارها
۷۷ روش تحلیل داده‌ها
۷۷ ملاحظات اخلاقی
۷۸ فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده‌ها
۷۹ پاسخ به سؤال کلی
۸۰ پاسخ به سوال جزئی ۱
۸۴ پاسخ به سوال جزئی ۲
۹۲ پاسخ به سوال جزئی ۳
۹۶ پاسخ به سوال جزئی ۴
۹۷ پاسخ به سوال جزئی ۵
۹۹ پاسخ به سوال جزئی ۶

۱۰۱ فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادات
۱۰۱ خلاصه تحقیق
۱۰۲ بحث و نتیجه گیری
۱۰۲ سوال کلی تحقیق:
۱۰۹ محدودیت های پژوهش
۱۱۰ پیشنهادهای پژوهش
۱۱۱ فهرست منابع

فهرست جداول

- جدول ۴-۱: توزیع میزان توجه به مولفه های قانون اساسی در برنامه درسی علوم اجتماعی دوره متوسطه ۷۹
- جدول ۴-۲: مقایسه اهداف در حیطه شناختی ۸۱
- جدول ۴-۳: مقایسه اهداف در حیطه عاطفی ۸۲
- جدول ۴-۴: مقایسه اهداف در حیطه عملکردی ۸۳
- جدول ۴-۵: توزیع مؤلفه های قانون اساسی در درس علوم اجتماعی دوره متوسطه ۸۹
- جدول ۴-۶: مجموع توزیع جملات و تصاویر مرتبط با قانون اساسی در محتوای درس علوم اجتماعی دوره متوسطه ۹۱
- جدول ۴-۷: توزیع میزان توجه به مؤلفه های قانون اساسی در ابعاد تدریس و ارزشیابی بعدشناختی در کتاب راهنمای معلم جامعه شناسی ۲ ۹۵
- جدول ۴-۸: توزیع میزان توجه به مؤلفه های قانون اساسی در ابعاد تدریس و ارزشیابی بعد عاطفی در کتاب راهنمای معلم جامعه شناسی ۲ ۹۴
- جدول ۴-۹: توزیع میزان توجه به مؤلفه های قانون اساسی در ابعاد تدریس و ارزشیابی بعد عملکردی در کتاب راهنمای معلم ۹۵
- جدول ۴-۱۰: توزیع میزان توجه به بعد شناختی آموزش قانون اساسی در برنامه درسی علوم اجتماعی دوره متوسطه ۹۶
- جدول ۴-۱۱: توزیع میزان توجه به بعد عاطفی آموزش قانون اساسی برنامه درسی علوم اجتماعی دوره متوسطه ۹۸
- جدول ۴-۱۲: توزیع میزان توجه به بعد عملکردی آموزش قانون اساسی در برنامه درسی علوم اجتماعی دوره متوسطه ۹۹

فصل اول : طرح تحقیق

مقدمه

در کشور هایی که اداره ی اجتماعشان متکی بر سندی نوشته و مدون به نام «قانون اساسی» می باشد این سند حقوقی و سیاسی که سند حقوق و آزادی های اساسی تک تک آحاد آن جامعه تلقی می گردد، مهمترین منبع برای مطالعه ی اصول و قواعد کلی «حقوق اساسی» آن «جامعه سیاسی» به شمار می رود بنابراین اولین گام علمی برای شناخت قانون اساسی شناخت حقوقی این واژه و مطالعه ی مطالبی در باره ی آن می باشد (صفر، ۱۳۷۸، ص ۹).

اصطلاح «قانون اساسی» که معادل واژه ی (constitutionall) می باشد ، یک ترکیب وصفی است مرکب از «قانون» و «اساسی» است . لفظ قانون معرب از واژه ی یونانی کانون «kanon» است که ضمن معانی متعدد دیگر به روش دستور و اصل هر چیز تعبیر شده است و در اصطلاح دانشمندان، قانون به ضابطه ی کلی ای گفته می شود که بر افرادی منطبق و حکم همه ی آن افراد از آن ضابطه شناخته می شود، لفظ قانون معمولا به یک سلسله حقوق و تکالیف هم اطلاق می گردد (بوشهری، ۱۳۸۴، ص ۱۳).

از لفظ قانون ممکن است دو مفهوم در ذهن استنباط شود. مفهوم تکوینی یا طبیعی که در مورد امور حقیقی از قبیل مسائل ریاضی، طبیعی و غیره بکار می رود مثل قانون جاذبه که در این صورت

لفظ «قانون» اشاره دارد به خاصیت و رابطه‌ی ویژه‌ای که در درون موجودات این جهان به فرمان الهی به ودیعه نهاده شده است تا آنها را به صورت عادلانه‌ای تنظیم کند و روابط بین علت و معلول و سایر موجودات با یکدیگر از این طریق استوار و تثبیت گردد از این دیدگاه قانون به قانون طبیعت هم تعبیر شده است.

مفهوم دیگر مفهوم تشریحی یا وضعی است که در مورد امور اعتباری بکار می‌رود مثل قوانین موضوعه که در این مورد لفظ قانون اشاره دارد به حکم کلی که روابط بین خالق و خلق و همچنین بین افراد و یا جوامع بشری را به صورت عادلانه‌ای تنظیم و تثبیت می‌کند که در تعریف آن می‌توان گفت قانون، عبارت است از دستور العملی کلی که از طرف خالق یا از طرف افراد یا گروه‌های صاحب صلاحیت برای انتظام امور جامعه وضع بشود. از این جهت که واضع قانون آفریدگار باشد یا بشر قانون را به قوانین الهی و قوانین موضوعه بشری تقسیم کرده اند (عمید زنجانی، ۱۳۸۷، ص ۲۸)

یکی از ضروری‌ترین بخشهای آموزشی برای افراد همه جامعه آموزش حقوق اساسی است. فراگیری اصول حقوق اساسی اختصاص به افراد خاص نمی‌باشد. لزوم یادگیری حقوق اساسی در ردیف لزوم سواد آموزی است حتی آنان که به هر دلیلی از نعمت سواد محروم مانده اند باید به هر طریقی با حقوق اساسی آشنا شوند تا ادامه حیات آنها در جامعه معنی و مفهوم داشته باشد تا بدانند چه حقوق و تکالیفی دارند و این رابطه سیاسی حقوقی که با جامعه دارند و در سایه‌ی آن از بسیاری از آزادی‌ها و امتیازات برخوردارند طی چه مراحل به وضع امروز رسیده است (مدنی، ۱۳۸۰، ص ۲۴).

قواعد حقوقی از آن جهت که حق و تکلیف را مشخص می‌کنند، باید آن چنان صریح و روشن باشند که مجریان قادر به اجرای آن قواعد باشند و تابعان آن قواعد، در ادای تکالیف و برخورداری از حقوق با سرگردانی و ابهام روبرو نگردند، صراحت و روشنی قواعد، کمال مطلوب است. اما مسائل جامعه آنقدر وسیع و پر زاویه است که قانون گذار علی‌رغم بکارگیری تمام مراتب دقت و احتیاط، قادر نخواهد بود آنچه را که لازم است پیش بینی نماید. همچنین با وجود انتظاری که از قانون گذار

در بیان قوانین می‌رود، گاهی اوقات، زبان قانون اساسی نمی‌تواند قادر به بیان تمام مطالب باشد. از طرف دیگر، مسائل و حوادث و تغییر احوال جامعه به گونه‌ای است که نمی‌توان تمام جزئیات را پیش‌بینی نمود. لذا قانون‌گذار به ذکر کلیات می‌پردازد و تطبیق جزئیات امر را به مجریان، و توضیح مبهمات را به آیندگان می‌سپارد. با توجه به این مراتب است که در علم حقوق باب تفسیر همیشه مفتوح می‌ماند، تا به کمک آن بتوان به راحتی به حل و فصل امور پرداخت (هاشمی، ۱۳۸۱، ص ۲۴۸).

حساسیت نظام تعلیم و تربیت هر کشور در روند توسعه‌ی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور به حدی است که به جرأت می‌توان گفت کارآمدی هر نظام وابسته به کارآمدی نظام آموزشی آن است به دلیل همین اهمیت است که گفته می‌شود در بسیاری از کشورهای اروپایی مانند فرانسه، سوئیس و آلمان حدود یک چهارم بودجه کشور را به امر آموزش و پرورش اختصاص می‌دهند در حالی که در کشور ما سالانه یک هشتم از بودجه کشور صرف دستگاه آموزش و پرورش می‌شود که با این رقم آموزش درستی صورت نمی‌گیرد. آموزش و پرورش نهادی است که می‌تواند تأثیرات زیادی را در آموزش دانش‌آموزان از حقوق و تکالیف خود داشته باشد.

بنابراین آشنایی با قوانین یک امر ضروری است و افراد جامعه باید نسبت به آن آگاهی کافی و کامل را داشته باشند. بر همین اساس پژوهش حاضر در راستای گردآوری اطلاعات مورد نظر در میزان شناخت شهروندان از مولفه‌های قانون اساسی می‌باشد.

بیان مساله

قانون اساسی از نظر اهمیت و اعتبار در راس سلسله مراتب قواعد حقوقی و مقررات هر جامعه قرار دارد و به این سبب «ام القوانین» نامیده می شود. برتری منطقی قانون اساسی نسبت به دیگر مقررات در این است که سایر قوانین باید در چها چوب اصول قانون اساسی وضع شوند و از حدود آن تجاوز نکنند، دیگر ویژگی و امتیاز قانون اساسی این است که از عقیده و ارزشهای حاکم بر جامعه ی خود الهام گرفته و متناسب با فرهنگ و نیاز های جامعه بوده و شامل یکسری اصول و قواعد کلی و بنیادی می باشد. با توجه به این ویژگی ها بدیهی و روشن است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نسبت به تحقیق و مطالعه به صورت کلی توجه شده است. در جمهوری اسلامی ایران قانون اساسی با این هدف که به مردم سالاری واقعی نزدیک شود و نواقص و کاستی های حکومت لیبرال را نداشته باشد تلاش کرده تا با ایجاد مکانیسم ها و روش های عدالت خواهانه و تلفیق آزادی و عدالت، نوعی از مردم سالاری را بر اساس دین نهادینه کند. امروزه با چالش های جدید ناشی از فرایند جهانی شدن می توان و باید با احیای آرمان های قانون اساسی به تعمیم مردم سالاری دین در جامعه همت گماشت و وظیفه اساسی تطبیق نظام جمهوری اسلامی با شرایط در حال تحول جهانی و محیطی را به خوبی انجام داد (شفیعی فرد، ۱۳۸۳).

قانون اساسی تعیین کننده ی صلاحیت قوای کشور و تضمین کننده ی حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی است. به همین علت در اغلب کشور هایی که اداره جامعه متکی به آرای عمومی است، به منظور جلوگیری از تجاوز دولت ها به پیمانی که بین مردم و دولت بسته شده است برای قوانین اساسی احترام و حیثیت خاصی قائلند و آنها را ممتاز از سایر قوانین ساخته اند و تدابیری اندیشیده اند تا قانون اساسی از دست اندازی حکومت ها مصون بماند (قاضی، ۱۳۷۰).

از آنجا که قانون اساسی سند مهم حقوقی و سیاسی یک نظام تلقی می گردد و به عنوان منبع مهم و همیشه قابل ارجاع و با ضمانت اجرای قوی حقوق اساسی معرفی شده است برای تنظیم و

تدوین و حتی نحوه نگارش آن ضوابط و معیارهایی بیان شده است از جمله این که قانون اساسی باید از عقیده و ارزش های خاص جامعه خود الهام بگیرد. همچنین ابتکاری و غیر تقلیدی بودن قانون اساسی یک کشور از خصایص بارز اعتبار قانون تلقی می گردد. بدین بیان که کشور هایی که در طلیعه ی ایجاد یک نظام نوین قرار می گیرند سعی می کنند به جای دراز کردن دست تکدی به سوی کشور هایی که به نظر آنها مترقی و متمدن هستند به سوی فرهنگ و متخصصان خبرگان خود روی آورند و از آنان برای تدوین مقررات کمک بگیرند. قانون اساسی همچنین نباید به امور جزئی بپردازد که اگر چنین شود آن را از حالت بنیادی و چهار چوبی خارج می سازد در واقع قانون اساسی حتی الامکان باید به امور ثابت و انسانیت بپردازد و امور متغیر را به قوانین عادی واگذار کند، ابهام و پیچدگی نیز در قانون اساسی نباید وجود داشته باشد زیرا که عدم صراحت و وضوح و روشنی قانون، تعبیرها و برداشت های متضاد و مخالف با روح قانون را به همراه دارد که به صلابت و استحکام آن لطمه ای جبران نا پذیر وارد می سازد (صفار، ۱۳۷۸).

قانون اساسی تنها قانونی است که بر خلاف قوانین و مقررات دیگر همچون قانون بازرگانی یا قانون کار به دسته خاصی از افراد اجتماع مربوط نمی گردد، بلکه بیانگر حقوق و تکالیف همه ی افراد یک کشور می باشد و عموم مردم صرف نظر از مقام و حرفه و شغل و موقعیتشان در این قانون سهیم هستند به همین جهت قانون اساسی به اموری می پردازد که به همه افراد یک جامعه مربوط است (بوشهری، ۱۳۸۱).

بدون شک زندگی در اجتماع بایستی تابع شرایطی باشد تا نظم و امنیت در آن به وجود آید و مهمترین ویژگی (جامعه مدنی) نهادینه شدن حکومت قانون و نهاد های قانونی است هنگامی که بی قانونی بر جامعه ای حاکم شود اولین دغدغه ی روشنفکران و مخصوصا حقوق دانان تصویب و اجرای قوانین مناسب است. نهادینه کردن جامعه ی مدنی ممکن نیست مگر اینکه در اولین گام تصویب و

اجرای قانون قانونمند شود . نمونه بارز این دغدغه ها را می توان پس از یک دوران حکومت نظام سلطنتی مطلقه مشاهده کرد .

انقلاب کبیر فرانسه (۱۷۹۹ میلادی) و انقلاب اسلامی ایران (۱۳۵۷ هجری شمسی) دو مصداق بارز این مدعا هستند. در فردای پیروزی این انقلاب ها رهبران سیاسی جامعه و روشنفکران و فرهیختگان برای نهادینه کردن آزادی های اساسی و تعریف کردن روابط عادلانه ی سیاسی اجتماعی به فکر تصویب قوانین مورد نظر بوده اند در قوانین اساسی این دوران ، این دغدغه کاملا مشهود است (فرشتیان، ۱۳۸۵).

با بررسی فلسفه وجودی و علل شکل گیری « مطالعات اجتماعی » در جهان امروز به این نتیجه می رسیم که هدف و نتیجه نهایی آن جامعه پذیری و اجتماعی شدن روابط انسانی است.

به عبارت دیگر، در این حوزه به مطالعاتی پرداخته می شود که در آنها، روابط انسانی در تحقق مسئولیت اجتماعی اهمیت می یابد. با این فرض، مطالعات اجتماعی در حوزه تعلیم و تربیت ما را و می دارد در زمینه ایجاد سازگاری میان دانش آموزان و جامعه، نوعی رابطه منطقی را توسعه دهیم و به افزایش مهارت های عقلانی و در نهایت پرورش شهروندی توجه کنیم. این مهم تحقق نمی یابد، مگر این که برنامه درسی به گونه ای طراحی شود که دانش آموزان در آن، به ماهیت فرد و جامعه و روابط بین آنها، و اهمیت هنجارها و ارزش های اجتماعی و اخلاقی و کاربرد دانش و آداب و سنن حسنه پی ببرند. رفته رفته با مسئولیت شناسی، مسئولیت پذیری و مشارکت جویی آشنایی پیدا کنند و با مشکلات و معضلات اجتماعی از قبیل تخلفات، چاره اندیشی، همکاری و تلاش کنند. در مطالعات اجتماعی در حوزه آموزش و پرورش، خروجی (دانش آموز) در نهایت باید بتواند از جهان خاص خود خارج شود، موقعیت خود را نسبت به گذشته، حال و آینده بسنجد و زمینه های تغییر رشدآمیزی را در افکار و رفتارهای خود ایجاد کند برای تحقق چنین شرایطی، قابلیت ها و مهارتهای گوناگونی را باید به کار ببرد. در واقع دستیابی دانش آموزان به مهارت ها و قابلیت هایی چون: مهارت کلامی،

ارتباطی، مطالعاتی و همچنین نقش پذیری و مشارکت جویی، زمینه های تحقق جامعه پذیری را فراهم می سازد. تردیدی نیست که در کنار والدین، این آموزش و پرورش است که از ابتدای شکل گیری شخصیت فردی، اجتماعی و ادراکی دانش آموزان، نقش پایه ایفا می کند بنابراین لازم است در دوره های ابتدائی، راهنمایی و دبیرستان تدریس علوم اجتماعی بسیار جدی گرفته شود.

با توجه به زمینه و شرایط فرهنگی و خرده فرهنگ های حاکم بر جامعه امروز و جهان پیرامون ما، راه های دیگری را برای تقویت مهارت های ارتباطی و اجتماعی جستجو و یا طراحی کرد تا در نهایت، رفتارهای حاصل از آموخته های دانش آموزان به درستی و مطابق شاخص های مقوله ای جامعه پذیری که نمایانگر رشد اجتماعی این سطح از جامعه است، توان ایجاد ارتباط و رعایت صحت آن و همچنین مهارت کافی برای سازگاری منطقی با واقعیات و حقایق زندگی و دست یابی به یک الگوی رفتاری ثمر بخش و موفقیت آمیزی بوجود آید. (انصاری راد و همکاران)

آموزش و پرورش به عنوان یک حق انسانی به این دلیل مورد عنایت قرار گرفته است که سبب تقویت خلاقیت فردی و افزایش مشارکت مؤثر در انجام وظایف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی افراد جامعه گردیده و به اعتلای رشد و پرورش انسانی کمک می نماید. از کارکردهای مهم آموزش و پرورش استیفای کامل حقوق فرد و درک و احترام به حقوق دیگران است. لذا آموزش و پرورش می تواند به عامل توانمندی برای ارتقای همبستگی اجتماعی و تفاهم اساسی افراد تبدیل شده و در تقویت نگرش های نوین و خرد پذیر مؤثر واقع شود.

این نهاد می تواند با گنجاندن مولفه های قانون اساسی و مقررات موجود در یک جامعه در برنامه های درسی ضمن آشنایی افراد یک جامعه با این قوانین و مقررات به نهادینه شدن این قوانین کمک کند مقطع متوسطه از مقاطع حساس تحصیلی است چرا که دانش آموزان برای ورود به بازار کار و اشتغال و قبول مسئولیت های اجتماعی آماده می شوند و از آنجایی که تمامی فارغ التحصیلان مقطع متوسطه وارد دانشگاه نمی شوند تا به تحصیلات عالی دست پیدا کنند و با بسیاری از مسائل آشنا

شوند لذا نیاز است تا زمینه هایی فراهم شود تا افراد با مسائل مهم و حیاتی که در اجتماع وجود دارد آشنا شوند حال در این پژوهش پژوهشگر با این سوال اصلی روبروست که تا چه میزان مولفه های (سیاسی و اجتماعی) قانون اساسی در اهداف ، محتوای کتب علوم اجتماعی و راهنمای معلم دوره ی متوسطه مورد توجه قرار گرفته است .

اهمیت و ضرورت تحقیق

انسانها به صورت جدا از هم نمی توانند زندگی کنند و برای زندگی با همنوع خود نیازمند این هستند که قواعدی بر این روابط حاکم باشد و از همین جا ضرورت و لزوم جاری شدن قانون بین آنها احساس می شود. نیازهایی که انسانها به یکدیگر دارند، نیازهای طبیعی و واقعی است. مثلا نیاز انسان به تشکیل خانواده و ازدواج یک نیاز طبیعی و واقعی است. اما قواعدی که باید این رابطه را تنظیم کند قانون نامیده می شود. تقریباً از ابتدای خلقت انسان، قوانینی بین آنها حکمفرما بوده است اما با پیشرفته شدن زندگی این قواعد پیچیده تر شده است و سیر آن از سادگی به پیچیدگی نهاده است، به گونه ای که امروزه انسانها برای بیشتر امور زندگی نیاز به آموزش قوانین و مقررات خاصی دارند. همچنین به دلیل اینکه انسان موجودی اجتماعی است باید در میان همنوعان خود زندگی کند. از ابتدای تولد شخص در جمع خانواده با پدر و مادر و سایر اعضای خانواده زندگی می کند، پس از دوران کودکی نیز او با دیگران به سر می برد و با همکاری آنها خواسته ها و نیازهای خود را برآورده می کند(کاتوزیان، ۱۳۷۱).

همان طور که می دانیم خواسته های انسانها با همدیگر شباهت زیادی دارد و مردم در یک اجتماع کم و بیش چیزهای مشابهی را طالبند، بنابراین، برای جلب منافع بیشتر و بهره مندی از امکانات، اختلافات بین انسانها در می گیرد، اما انسانها از آغاز خلقت در یافتند که بقای اجتماع با آشوب و زور گویی امکان پذیر نیست. و ناچار باید قواعدی را بر روابط اشخاص، از آن جهت که عضو

جامعه اند، برقرار نمایند و ما امروز مجموع این قواعد را حقوق یا قانون می نامیم. در نتیجه تصور بقای یک جامعه بدون قانون و حقوق امکان ندارد (کاتوزیان، ۱۳۷۹).

اجرای کامل قانون که به حاکمیت قانون منتهی می شود وقتی تحقق می گردد که همه افراد کشور آن را مورد پذیرش و اطاعت قرار دهند و به مقررات آن گردن نهند و این ممکن نیست مگر با شناسایی و درک قانون.

گام اول در اجرای قانون، این است که افراد هر چه بیشتر آن را بشناسند و حدود و فعالیت خویش را بر آن منطبق سازند و ضمن شناخت حقوق خود به تکالیف خود نیز عمل کنند و از سوی دیگر به رسالت مهم خویش، یعنی نظارت بر اجرای صحیح قوانین عمل کنند. آگاه بودن به زوایای قانون شخص را فعال می کند و در نتیجه بر میزان بازدهی او در اجتماع می افزاید. بنابراین هر چه سطح دانش و اطلاع مردم یک جامعه از قانون زیادتر باشد تحرک آن جامعه بیشتر است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با ویژگیهایی که دارد و با توجه به این که در شرایط مناسب و انقلابی براساس معیارهای اسلامی تنظیم شده و بسیاری از اصول تنظیم شده، آیات الهی را پشوانه دارد لازم است هر چه بیشتر شناخته و به کار بسته شود (صفار؛ ۱۳۷۷).

یکی از راههایی که می توان به افراد جامعه مولفه های قانون اساسی را آموزش داد آموزش و پرورش است این نهاد می تواند با گنجاندن این مبحث در برنامه درسی، دانش آموزان را با مولفه های قانون اساسی و ابعاد آن آشنا سازد و به دانش آموزان یاد دهد که چگونه آن را در زندگی فردی و جمعی به کار گیرند. بیشترین فعالیت های آموزشی در کشور ایران در چهار چوب کتاب های درسی صورت می گیرد و از جمله کتب درسی در مقطع متوسطه کتاب های علوم اجتماعی می باشد می توان گفت که این دروس قادرند تکالیف و حقوق افراد را مشخص کرده و اطلاعات اساسی و پایه ای به دانش آموزان منتقل نمایند در غیر این صورت چنانچه محتوای کتب بدون در نظر گرفتن خصوصیات اجتماعی، و سطح توانایی های دانش آموزان کشور و بدون توجه به حقوق و تکالیف افراد